

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

کوروش تیموری فر
۱۹ مارچ ۲۰۲۲

داستان یک افول



روز سه‌شنبه ۱۴۰۰/۱۲/۲۴ اعلام شد که ناو هواپیمابر کیتی هاوک (USS Kitty Hawk) از رده خارج شد و پس از انتقال از واشینگتن به تگزاس، عملیات اوراق‌سازی آن صورت خواهد گرفت. نام منحوس این ناو، یادآور مباران‌های کیمیائی و جنایت‌کارانه ویتنام است که توسط هواپیماهای مستقر روی عرشه این ناو صورت می‌گرفت. تقارن تبدیل این ناو -با ۶۰ سال سابقه خدمت صادقانه و ننگین به امپریالیسم امریکا- به آهن قراضه، با آغاز مرحله جدیدی از عملیات اوراق‌سازی قدرت «بیگانه» و برتر کشور مخدومش، تصادفی نیست. پس از این، شاهد خواهیم بود که ناوها و دیگر ابزارهای کشتار دسته جمعی امریکائی، هم‌زمان با افزایش شیب فرود -یا سقوط- کشور امریکا از سریر فرمان‌روائی جهانی، به آهن پاره‌هایی تبدیل خواهند شد. در همین روز اعلام شد که:

(۱) دولت امریکا کتباً خطاب به روسیه تضمین داده است که در صورت اجرائی شدن توافق برجام، تحریم‌های یک‌جانبه علیه روسیه، مشمول مرادوات بین دو کشور ایران و روسیه نخواهد شد.
(۲) زلینسکی اعلام کرد که موضوع پیوستن اوکراین به ناتو، کلاً منتفی شده است.
(۳) روسیه، جو بایدن و پسرش -هانتر بایدن- را به همراه آنتونی بلینکن و تعدادی مقامات عالی امریکا را تحریم کرده است.

(۴) دادگاهی در روسیه، حقوق مالکیت معنوی یک شرکت امریکائی را به‌دلیل تعلق به کشور متخاصم، لغو کرد.

چندی پیش پیه اسکوبار -مفسر معروف برزیلی- پیش‌بینی کرده بود:

شاید سلاح کشنده در زرادخانه عکس العمل‌های روسیه همان است که واسیلی کولتاشوف، رئیس مرکز تحقیقات اقتصادی انستیتوی جهانی سازی و جنبش‌های اجتماعی نکر می‌کند: کلید حل مشکل مصادره فناوری است، چرا که روسیه دیگر حقوق معنوی اختراعات ایالات متحده را به رسمیت نخواهد شناخت. کولتاشوف، در مورد آنچه که او «آزادسازی مالکیت معنوی» می‌نامد، خواستار تصویب قانونی در روسیه درباره «کشورهای دوست و کشورهای دشمن» است. «اگر کشوری در فهرست کشورهای دشمن قرار گیرد، می‌توانیم از فناوری‌های آن در زمینه داروسازی، صنعت، تولید، الکترونیک و پزشکی کپی‌برداری کنیم. و این کپی‌برداری می‌تواند شامل هر چیزی از جزئیات ساده یک محصول تا ترکیب‌های شیمیایی آن» باشد ... کولتاشوف معتقد است که: «یکی از پایه‌های موفقیت صنایع آمریکایی در کپی کردن اختراعات ثبت شده در خارج بود.» اکنون روسیه می‌تواند از «مهارت گسترده چین با آخرین فرایندهای تولید فناوری آن، برای کپی کردن محصولات غربی استفاده کند». معافیت از مالکیت معنوی آمریکایی، تنها در مرحله اول خسارتی بالغ بر ۱۰ تریلیون دلار به ایالات متحده خواهد زد. که فاجعه‌ای برای آن کشور است.

در میان دود غلیظ اخبار گمراه کننده و سروصدای بیش از حد تحریم‌ها، اخباری از جنس موارد بالا، باید با دقت و عمق بیشتری بررسی شوند. معلوم شد که اخراج والری گرکیف - رهبر ارکستر فیلارمونیک مونیخ- و یا آنانت ربکو - خواننده سوپرانو در بریتانیا- و یا محرومیت نیکیتا مازپین -راننده فرمول یک- از مسابقات، همه به دلیل خودداری ایشان از محکومیت روسیه و پوتین، و یا حذف اجرای آثار چایکوفسکی (مرحوم شده در ۱۳۰ سال پیش) توسط ارکستر فیلارمونیک ولز، نه تنها نشانه‌های وجود ظرفیت بالای گرایش فاشیستی در کشورهای «سوپر مدرن» غربی با سوابق مشتعش لیبرالی است، بلکه پرده دودی بوده است برای مخفی ساختن درماندگی تاریخی.

از همان ابتدای عملیات ویژه روسیه در اوکراین، بسیاری از راست‌گرایان کشورهای امپریالیستی، از انفعال نظامی کشورهای ناتو در مقابل روسیه، شکایت داشتند. آن‌ها فراموش نکرده‌اند که ناتو در سی سال گذشته، چگونه یک‌هزار عرصه‌های نظامی و برخورد‌های مرگبار منطقه‌ای در تمام جهان بوده است. در همین اروپا، در سال ۱۹۹۹، به مدت ۷۸ روز، کشور یوگسلاوی را -که هیچ نیروی نظامی به خارج از خاک خود اعزام نکرده بود - صرفاً به دلیل سرپیچی از پذیرش جهان تک قطبی و به بهانه‌های واهی و اثبات نشده- در هم کوبیدند و آن‌را به تکه‌های زخمی و ناتوان بدل ساختند. آنان فراموش نمی‌کنند که نئونکان‌های آمریکایی، از سال ۲۰۰۱ چگونه جهان را به آتش کشیدند. همچنین نرمی دستکش‌های مخملین بارک اوباما -برنده جایزه صلح نوبل- را که در آن واحد مشغول سلاخی همزمان ۷ کشور در غرب آسیا و شمال آفریقا بود، از خاطر نبرده‌اند.

آنان فریب غوغای کر کننده رسانه‌های جریان غالب، در اعلام پیاپی تحریم‌های روسیه را نمی‌خورند. همه آنان در حسرت برافراشتن مشت‌های آهنین امپریالیسم آمریکا و نوجه‌هایش در ناتو هستند تا روسیه را بر جای خود بنشانند و در گام بعدی تکه‌پاره‌اش کند. اما تنها شاهد عقب نشینی گام به گام آمریکا از سنگرهایش هستند. راستی چه اتفاقی رخ داده است؟

پال کندی -محقق بریتانیایی- در کتاب تحقیقی عظیم خود [۱]، در سال ۱۹۸۸، خطر عدم کنترل مراحل افول آمریکا را چنین ارزیابی می‌کند:

ابعاد جغرافیایی، جمعیت، و منابع طبیعی جزایر بریتانیا حکم می‌کند که در صورت یکسان بودن سایر عوامل، این کشور می‌توانست ۳ تا ۴ درصد ثروت و قدرت جهان را داشته باشد. اما چون «سایر عوامل» هرگز یکسان نیستند، برخی اوضاع و احوال تاریخی و تکنولوژیک خاص، این امکان را داد تا جزایر بریتانیا چندان توسعه یابد که در اوج

شکوفایی خود، ۲۵ درصد ثروت و قدرت جهان را در اختیار داشته باشد. از آنجا که اوضاع و احوال مساعد از میان رفته است، فرجام همه کارهایی که کرده است، بازگشت نزولی به اندازه طبیعی‌تر خویش است. به همین گونه می‌توان گفت که وسعت جغرافیایی، جمعیت، و منابع طبیعی ایالات متحده آمریکا حکم می‌کند که این کشور احتمالاً باید ۱۶ یا ۱۸ درصد قدرت و ثروت جهانی را دارا باشد؛ اما به علت اوضاع و احوال تاریخی و تکنولوژیک مساعد، این سهم در ۱۹۴۵، به ۴۰ درصد یا بیشتر افزایش یابد [2]. آنچه ما در حال حاضر شاهد آنیم، دهه‌های آغازین نزول از آن رقم به‌غایت بالا، به سهم «طبیعی»‌تر است. این افول را فعلاً توانایی‌های عظیم نظامی و نیز موفقیت کشور در «بین‌المللی» کردن سرمایه‌داری و فرهنگ آمریکایی، می‌پوشاند. (ص ۸۷۰)

به‌خاطر داریم که در زمان نوشته‌شدن آن مطلب، هنوز جهان تک‌قطبی و «نظم نوین بین‌المللی» بوش پدر اعلام نشده بود. بدهی خارجی آمریکا به‌زحمت به یک تریلیون دلار می‌رسید. اما پس از آن، حوزه‌های نفوذ امپریالیسم آمریکا چنان گسترش یافت که آن کشور از توان اداره‌اش بازایستاد. هم اکنون رقم بدهی آمریکا از مرز ۳۰ تریلیون دلار گذشته و روزانه ۲ میلیارد دلار به آن افزوده می‌شود. نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی که در سال ۱۹۸۰ معادل ۳۴.۵۳ درصد بود، در سال ۲۰۰۰ به ۵۸.۷۵ درصد و اینک به ۱۲۵.۶۲ درصد رسیده است. آمریکا بدهکارترین کشور دنیاست. نرخ تورم به ۸ درصد رسیده است و کیست که نداند در شرایط تعادل عرضه و تقاضا، معنای افزایش نرخ تورم، همان کاهش ارزش پول ملی است.

در طول بیست روزی که از آغاز عملیات ویژه روسیه در اوکراین می‌گذرد، اتفاقات دیگری هم رخ داده است. از جمله تصمیم عربستان به فروش نفت در مقابل ارز یوان. تقریباً همه اقتصاددانان آمریکا معتقدند که باز خورد تحریم‌های وسیع روسیه، تسریع سقوط سیادت دلار در تجارت جهانی است. چین موقعیت بازار نفت را مساعد آن دیده است تا با پذیرش یک ریسک - اما حساب شده- در شرایطی که آمریکا خرید نفت از خارج را کاهش داده است، به فروشندگان عمده جهان - من جمله عربستان- پیشنهاد پرداخت یوان متصل به طلا را ارائه کند. و سوسه‌ای که عربستان یارای مقاومت در مقابل آن را ندارد.

حجم تولید ناخالص داخلی آمریکا بر اساس محاسبه به روش واقعی «برابری قدرت خرید (PPP)» به ۱۵.۶ درصد کل جهان رسیده است و از رقیبش چین، که با رقم ۱۷.۰۶ درصد در ردیف نخست جای گرفته، عقب مانده است. مصوبات کنگره نوزدهم حزب کمونیست چین، یک‌به‌یک به اجراء درآمده‌اند، از جمله «ساخت چین ۲۰۲۵». تا پایان سال ۲۰۲۵، وابستگی چین به تکنولوژی و منابع خارجی در حوزه‌های تکنولوژی‌های مدرن، به صفر خواهد رسید. فرصت برای آمریکا بسیار تنگ است. تمامی تقای امروزه واشینگتن، معطوف به متوقف ساختن رقیب است؛ چه درگیر کردن او در یک مسابقه اقتصادی ناعادلانه و خلاف قوانین سازمان تجارت جهانی - که دست‌پخت امپریالیسم است- و چه از طریق تضعیف شریک ستراتیژیکش، روسیه، و چه از طریق تحمیل درگیری نظامی (مثلاً در تایوان). اوکراین، آزمایشگاه آمریکا برای درگیری در تایوان است. نتایج، تاکنون برای او ناامید کننده بوده است.

[1] ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ: تحولات اقتصادی و کشمکش‌های نظامی در سال‌های ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰؛ ترجمه محمد قائد و دیگران؛ انتشارات علمی و فرهنگی؛ چاپ چهارم؛ ۱۳۹۱

[2] در سال ۱۹۴۸، این عدد ۴۲ درصد تولید ناخالص داخلی جهان، و ۴۸ درصد تولیدات صنعتی جهان بود.

نشر همزمان در : مجله دانش و امید